

۱۲۹۵۷۴۱

به نام خدا

گشتی در اندام

www.ketab.ir

حسین نوری

البرز فردانش



کشتی دانه

صفحه آرا: مریم رمضانیا طرح جلد: بهارک انوری / تایپ: فرزانه محمدی

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۲۰۲-۳۲۹-۲

نویسنده: حسین نوری

کتابخانه ملی: ۳۶۴۲۸۲۴

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۴

قیمت: ۹۵۰۰ تومان

تیراژ: ۱۰۰۰

عنوان و نام پدیدآور: کشتی دانه/ حسین نوری

ISBN: 978-600-202-329-2

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۰۲-۳۲۹-۲

رده بندی دیویی: ۸۴۳/۶۲

مشخصات ظاهری: رقی - ص ۱۱۸

رده بندی کنگره: PIR ۸۳۶۲ ۱۳۹۴ ک ۴۲ و/

موضوع: داستانهای فارسی

مشخصات نشر: تهران البرز فردانش ۱۳۹۴

صحافی: صدف - چاپخانه: نشاط - نوبت چاپ: اول ۱۳۹۴

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای مؤلف محفوظ میماند.
هر گونه تکثیر و نسخه برداری بدون اجازه کتبی از مؤلف ممنوع بوده
و متعلق تحت پیگرد قانونی، قرار خواهد گرفت.

البرز فردانش

تهران- ضلع شمال غربی پل سیدخندان- اول خیابان شقایق- کوچه بن بست اول- پلاک ۳- واحد ۱۲

تلفن و تلفکس: ۲۲۸۸۷۵۰۱ - ۲۲۸۶۰۲۶۰

آدرس ایمیل: alborz22887501@yahoo.com

آدرس وب سایت: www.alborz80.ir

ایمیل نویسنده: hosseinnooribook@gmail.com

شماره تماس با نویسنده: ۰۹۳۰۱۱۴۱۰۷۹ - ۰۹۱۹۲۷۰۲۱۴۶

مقدمه

خواننده گرامی

این رمان عاشقانه پس از چهار سال فراز و نشیب سرانجام به پایان رسید. شخصیت‌های این کتاب بنا به فراخور حوادث تاریخی که در کشور هندوستان اتفاق افتاده و در فضای مجازی و تخیلی در سایه رخدادهای نزدیک به واقعیت موفق به ایفای نقش گردیده اند شکل گرفته و صحنه‌های داستان را در راستای زمان وقوع آن دوران پیش می‌برند .

این کتاب یک داستان عاشقانه صرف نیست ؛ بلکه با مرور در تاریخ اشغال هندوستان توسط ارتش سلطنتی بریتانیا به رشته تحریر درآمد و آلام و دردهای ملتی را نشان می‌دهد که پس از گذر سختیها و مقاومت به یک بلوغ فکری رسیده و با اتحاد اقوام و هم نوایی ادیان مختلف منتهی به انقلاب باشکوهی می‌گردند که بزرگترین اندیشه استعماری و استثمار معاصر را در خود می‌بلعد و از بین می‌برد و رفتار مقاومتی آنها راهنمای اندیشه های ضد استعماری ملل دیگر در نسلهای بعدی می‌گردد .

در فضای شلوغ داستان هم سعی شد اسامی شخصیتها به جهت جلوگیری از پراکندگی و خستگی احتمالی خوانندگان اندک باشد و از زیاده گویی جلوگیری شود ولی در همه جای داستان شلوغی و ازدحام مد نظر بوده است . در ادامه نیز باز تلاش گردید که خواننده خود پس از

ارتباط با شخصیتها به گفتگو بپردازد و برخی مواقع جای آنها اتخاذ تصمیم نموده و در ذهن نظرات خودش را مرور کند و اشتباهات را اصلاح نماید و درست و غلط رفتارها را در ذهن آن طور که میخواهد تدوین و قضاوت کند و فضای داستان برای مخاطب بگونه ایی باز باشد که خود به آن نتیجه دلخواه برسد بی آنکه به پیام داستان لطمه وارد شود.

این کتاب که از لحاظ محتوا پر حجم و عمیق است و جمله جمله آن حاوی بخشی از آموزه های دینی و بشری بوده ، زیر سایه هنر ایجاز و خلاصه گویی نوشته شد و سختی نوشتن کتاب آن زمان ظاهر میگشت که میبایستی به طور هم زمان پیام و هدف داستان توامان پیش میرفت و از گزافه گویی و اطناب جلوگیری میشد تا این آفات خوانندگان گرامی را به حاشیه نبرده و تعدد اسامی و اشخاص باعث کسالت خاطر آنان نگردد و کتاب بعلت فوت زمان از مخاطب فاصله نگیرد . به دلیل گنجاندن هیجان در داستان سخن از جنگ وجود دارد اما خواننده هیچگاه فضای جنگی را تجربه و مشاهده نمی نماید و هر یک از شخصیتها با آنکه بارها در مقابل یکدیگر قرار میگیرند ولی از جنگ خودداری میکنند . سایه و روشن فضای جنگی کاملاً وجود دارد و اگر در پاره ایی از موارد حالتهای جنگی مطرح میشود برای اهدافی همچون به زانو در آوردن ، تسلیم ، تملک و عشق بازی است و گاهی هم تصمیم عجولانه و اشتباه تصمیم افراد به تصویر کشیده میشود . آن لحظه که شخصیتها تصمیم به نابودی یکدیگر میگیرند صحنه ها و اندیشه ها متوقف میشوند و حالتی از سوال بوجود می آورند و در ادامه نوعی گیجی و ابهام به آن اضافه میشود . کشتار انسانها یک اشتباه تلقی میگردد و لذت کشتار یک پدیده شیطانی معرفی میشود که انسانهای آزاد به شدت با آن به مخالفت می پردازند .

در پهنای محتوای داستان بیان این مطلب خالی از لطف نیست که با جلو رفتن داستان و حذف برخی از شخصیتها، زندگیهای جدید و نو شکل میگیرند و اندیشه های کهنه با گذشت زمان و فصلهای داستان جملگی پوست اندازی و دگردیسی کرده و انسانها دچار تغییرات مثبت و رو به جلو میشوند و پیامهای زندگی و محیط پیرامون تغییر میکنند.

عشق این داستان سوار بر کشتی در دریای معرفت سفر میکند و در پایان داستان به دلیل داشتن شکوفایی اندیشه و پاکی و صداقت بال گشوده و به پرواز در می آید و از قفس ذهن خارج میشود و آنقدر اوج میگیرد که کسی او را پیدا نمیکند و انسان که خود بوجود آورنده عشق زمینی است از دیدگان خواننده محو میشود و چشم خواننده در فضای اتاق با پنجره گشوده به دنبال آن گمشده میگردد اما در یک لحظه تخیل چیزی فراتر از شخصیت داستان را درک میکند و آن این همان یادآوری است که شاعر عالی قدر و بلند همت ایران زمین حضرت شیخ العرفا مولوی در این دو بیت به شیوایی بیان میکند :

علت عاشق ز علتها جداست

عشق اسطراب اسرار خداست

عاشقی گر زین سر و گر زان سرست

عاقبت ما را بدان سر رهبرست

در ادامه باید اعتراف کنم که من به عنوان یک نویسنده، داستان را به گونه ای پیش بردم که پیام داستان برای همه قابل درک باشد و پیام و محتوا فدای قالب نگردد. هرچند که بی شک در رعایت پاره ایی از نکات دستوری اشکالاتی وجود دارد که اهل قلم باید این حقیر را عفو نمایند. بیشترین تلاش من خلق داستانی در برابر سبکهای مغرب زمین بود و

هدف از خلق این اثر بیان این موضوع است که شرق هم با بهره گیری از نوشتار کهن خود حرفی برای گفتن دارد که در این بین زبان و ادبیات فارسی با دارا بودن گنجینه ای از سبکهای نظم و نثر هنوز رو به تعالی گام برمیدارد و برخلاف عقیده برخی ، ادبیات فارسی بعلت گستره قلمرو امپراطوری ایران باستان از دریای مدیترانه تا دروازه های کاشغر چین هنوز در تحول و نوگرایی پیش میرود و تمامی زبانهای دنیا را در خود حل میکند و این گنجینه بشری میبایستی به نسلهای بعدی و ملل دیگر معرفی گردد تا همه اقوام از این موهبت بهره مند شوند .

در پایان متذکر میشوم رنج نوشتن این کتاب به حدی بود که گاهی قلم از نوشتن و ذهن از خیال پردازی باز میماند و هر آن امکان توقف فیزیکی داستان و محتوا وجود داشت ؛ زیرا استخوان بندی این داستان نه در کشور هندوستان و نه در کشور انگلستان و نه در ارتباط با شخصیتهای داستان تجربه شده بود ؛ بلکه فصلهای داستان طوری طراحی و برنامه ریزی شد که خواننده سفری تاریخی را در دیالوگهای خبری ، تاکیددی و استفهامی داشته باشد تا قالب داستان دلنشین تر به مخاطب منتقل شود و خواننده در فضای آب و خاک و سفر قرار گیرد و حوادث در دیدگانش به دلخواه به تصویر کشیده شوند و اجباری در کار نباشد ، این داستان در فضای مجازی در حال پیش رفت بود و گاهی اوقات امورات زندگی و سختیهایش مرا از این کار باز میداشت و نقشهای داستان به یکدیگر گره میخوردند و نوشتار متوقف میشد و این امر نگران کننده بود ولی از خداوند منان سپاسگزارم که این توفیق را نصیب من گردانید که از این مهم بیرون آمدم و با وقفه های اندک دنیوی دوباره با شکوفایی ذهن به نوشتن باز میگشتم .

این کتاب را تقدیم به:

همسر مهربانم و خانواده عزیزم میکنم که حضورشان در کنارم بهترین آرامش و دلگرمی در بدترین شرایط بود .

در صورت ترجمه این کتاب در هر کشوری و هر زبانی ۱۵ درصد عواید فروش از آن متعلق به انجمن معلولین همان کشور خواهد بود تا سهم ما نیز هر چند ناچیز در این امر محفوظ بماند .

۱۳۹۳/۷/۱۳

www.ketab.ir